

السلام علی الشہید الرضیع / تلخ ترین لحظه دنیا از زبان اباعبدالله(ع)



امروز هفتم محرم بنا به سنت معمول روضه خوانی اختصاص به ذکر مصائب شهادت شیرخواره کربلا حضرت علی اصغر(ع) دارد که امام حسین(ع) در پیش‌گویی شهادت فرزندش فرمود: شقاوت پیشه ای از لشکریان دشمن، گلوی فرزند شیرخوارم را با تیر می درد و خونش بر روی دستانم جاری می شود، در آن هنگام دست به آسمان بلند کرده از خداوند طلب صبر و بردباری می نمایم و به ثواب مصیبت او دل می بندم...

امروز هفتم محرم بنا به سنت معمول روضه خوانی اختصاص به ذکر مصائب شهادت شیرخواره کربلا حضرت علی اصغر(ع) دارد که امام حسین(ع) در پیش‌گویی شهادت فرزندش فرمود: شقاوت پیشه ای از لشکریان دشمن، گلوی فرزند شیرخوارم را با تیر می درد و خونش بر روی دستانم جاری می شود، در آن هنگام دست به آسمان بلند کرده از خداوند طلب صبر و بردباری می نمایم و به ثواب مصیبت او دل می بندم...

به گزارش خبرگزاری مهر، هر یک از روزهای دهه اول محرم به یک عنوان که غالباً نام شهدای کربلا است، مشهور گردیده و ستایشگران اهل بیت(ع) با ذکر مصائب صاحب نام آن روز به عنوان مقدمه، عزای حضرت اباعبدالله الحسین(ع) را اقامه می نمایند. بنا بر سنت روضه خوانی معمول روز هفتم روز ذکر مصائب حضرت علی اصغر(ع) است؛ آن شیرخواره کربلا که امام حسین(ع) در سخنرانی شب عاشورا در جمع اصحاب خویش نسبت به مصائبی که فردا در انتظارشان خواهد بود خبر داد و فرمود که حتی علی اصغر شیرخوار نیز کشته خواهد شد.

در این مجلس بود که قاسم بن حسن(ع) برخاست و گفت: «آیا من هم کشته خواهم شد». پس امام(ع) از باب دلسوزی به او فرمود: «ای پسر برادر! مرگ در نزد تو چگونه است؟» گفت: «یا عم احلی من العسل؛ ای عمو مرگ در نزد شیرین تر از عسل است». امام(ع) فرمود: «عمو به فدای تو باد؛ بله به خدا قسم مرگ شیرین است. آری تو نیز کشته خواهی شد آن هم پس از رنجی سخت، و پسر محمد(ص) نیز کشته خواهد شد.»

قاسم گفت: «ای عمو! مگر لشکر دشمن به خیمه ها هم حمله می کنند که عبدالله شیرخوار هم شهید می شود؟» امام(ع) فرمود: «عمو به فدایت؛ عبدالله زمانی کشته خواهد شد که دهانم از شدت عطش خشک شود و به خیمه ها آمده آب یا شیر طلب کنم و چیزی نیابم، فرزندم عبدالله را طلب می کنم تا از رطوبت دهانش بنوشم، چون او را نزد من آورند قبل از آنکه لبانم را بر دهان او بگذارم، شقاوت پیشه ای از لشکریان دشمن، گلوی فرزند شیرخوارم را با تیر می درد و خونش بر روی دستانم جاری می شود، در آن هنگام دست به آسمان بلند کرده از خداوند طلب صبر و بردباری می نمایم و به ثواب مصیبت او دل می بندم، در این حال نیزه های دشمن مرا به سوی خود خواهد خواند و آتش از خندق پشت خیمه ها زبانه خواهد کشید و من بر آنها حمله خواهم کرد و آن لحظه، تلخ ترین لحظه دنیاست و آنچه خدا خواهد، واقع خواهد شد.»

یاران امام(ع) همگی با شنیدن این سخنان گریستند و بانگ شیون و زاری از خیمه ها بلند شد.

شهادت علی اصغر(ع) به روایت تاریخ

روایات مختلفی درباره چگونگی شهادت علی اصغر(ع) در منابع تاریخی نقل شده است. اما آنچه که مشهور است روایتی است که ابن جوزی از هشام بن محمد کلبی نقل کرده است، در این روایت آمده: «چون ابا عبدالله الحسین(ع) دید که سپاه کوفه در ریختن خونش اصرار می ورزند، قرآن را گرفت و آن را باز کرد و روی سر نهاد و خطاب به سپاهیان کوفه فریاد برآورد: "بین من و شما کتاب خدا و جدّم محمد(ص) رسول خدا قضاوت کند، ای قوم! برای چه خون مرا حلال می شمارید؟"

در این حال امام حسین(ع) نظر کرد و طفلی از اطفالش را دید که از تشنگی می گرید، او را روی دست گرفته و گفت: "ای جماعت! اگر به من رحم نمی کنید پس به این کودک شیر خوار رحم کنید. در این هنگام مردی از میان سپاه کوفه (حرمله بن کامل اسدی) تیری بر گلویش زد و آن کودک را به شهادت رساند. امام حسین(ع) با مشاهده این واقعه گریست و فرمود: "اللهم احکم بیننا و بین قوم دعونا لینصرونا فقتلونا؛ پروردگارا میان ما و این مردمی که ما را دعوت کردند که یاریمان کنند؛ اما ما را کشتند تو خود داور می فرما..."

سپس امام(ع) دست خود را زیر گلوی علی اصغر(ع) گرفت و چون دستش از خون او پر شد آن را به سوی آسمان پاشید نقل شده از آن خون قطره ای به زمین بازنگشت. آنگاه فرمود: "هوّن علیّ ما نزل بی اته بعین الله؛ چون خدا می بیند آنچه که از بلا بر من نازل شد، بلا بر من آسان گشت." آنگاه امام(ع) جسم بی جان علی اصغر(ع) را به خیمه برد و پس از دفن او، به میدان بازگشت و بر سپاه دشمن حمله برده، بر میسر و میمنه سپاه آنان می تاخت.